

عبدالعزیز حبیبی

# یادداشت‌ها در تاریخ صنایع افغانستان

یکی از موضوع های بسیار مهم و دلچسپی که باید در تاریخ کشور ما با دقت و تحقیق و کنج کاری فراوان جستجو و فراهم آوری شود معلوماتی است در باره صنایع مختلف. که در ادوار سابقه در افغانستان وجود داشته است. تاریخ صنایع و هنرهای نفیس جزوه متنابه فرهنگ باستانی ماست. و باید تمام نکات و جزئیات آنها را فراهم آوریم و در آینده در پایان هر فصل تاریخ اوضاع صنعتی همان دوره را با بسط و تفصیل مورد بررسی قرار دهیم. نویسندگان این سطور در حین مطالعه کتب تاریخی نکات و یادداشت‌هایی را درین مورد فراهم آورده‌ام که کافی و جامع و مانع نیست، ولی برای اینکه ضائع نشود و در آینده بدر دست نویسندگان گرامی این رشته بخورد، آنرا به مجله آریانا می سپارم و ممکن است که در حین ترتیب و تدوین تاریخچه صنعت و هنر سودمند افتد، و هر مبحث آن، بموقع خود گذاشته شود.

## خطاطی:

یکی از صنایع بسیار جالب و زیبایی خراسان در دوره اسلامی هنر خوش نویسی است حتی برخی از دانشمندان هنر شناس معتقد اند، توجهی را که این مردم در ترتیب کتاب های خطی داشته اند بی نظیر است و هیچ یک از ملل عالم نتوانسته است پیاپی آنها برسد. وقتی انسان یکی از کتب خطی این مردم را بدست میگیرد نمیداند چه قسمت آنرا پیشتر مورد توجیه قرار داده؟ زیرا این هنر زیباترین و مذهب کاری و جاذبه و رنگ آمیزی و زیبایی خط

و نقش و نگار جلد آن هر یک در خور دیدن و سحر انگیز است. که بیننده بی اختیار از دیدن تمام این مجسم هنری در شگفت می ماند (۱) صنعت خطاطی از اوایل دوره اسلامی در افغانستان رواج داشت، و برسم الخط کوفی که بقول دکتور و لفسون از رسم الخط نبطی متأخر برآمده بود (۲) و عربها آن را در قرن هفتم میلادی در افغانستان رواج داده بودند، کتباها و کتیبه های خود را می نوشتند.

قدیم ترین کتیبه این رسم الخط در افغانستان تاجایی که اکنون مکشوف و معلوم است در وادی قوچی وزیرستان بر یک سنگی بدست آمده، که در جمادی الاولی (۲۴۲ هـ ۱۸۵۷ م در بازه تعمیر بنایی نوشته شده و نه سطر برسم الخط کوفی و زبان عربی و پنج سطر برسم الخط سره دانا گری Sarada Nagri و زبان سنسکریت دارد، که این سنگ نبشته اکنون در موزه پشاور موجود است (۳) و از ملاحظه آن پدید می آید، که در اواسط قرن سوم هجری در حواشی شرقی افغانستان رسم الخط کوفی توأم با رسم الخط سنسکریت رواج داشت، و نفوذ آداب و رسوم اسلامی و عربی تا کوهسار قوچی پهن شده بود.

کتیبه دیگری بهمین رسم الخط کوفی ساده بدون تزئینات بر کنار دریای سند در خرابه های شهر قدیم ویند که بعد از عقب نشینی کابلشا هیان از فتوحات اسلامی پایتخت ثانی ایشان بود بر دیوار کهن چاهی در سنه ۱۸۹۴ م پیدا شده و بران زبان عربی و رسم الخط کوفی چنین نوشته است: «بسم الله الرحمن الرحیم بنا هذا البئر ابو جعفر محمد بن عبد الجبار بن محمد الجوزجانی فی ذی القعدة سنه اثنی وثمانین و اربع مائه» (۴).

این کتیبه که بسال ۱۰۹۰ هـ ۱۸۸۲ م تعلق دارد، نفوذ کامل رسم الخط کوفی را در افغانستان تا کرانه های ابا سن بشبوت میرساند، و اینکه کتیبه از طرف یک نفر فقیه

(۱) صنایع ایران بعد از اسلام از دکتور زکی محمد حسن مصری، ص ۶۴ ترجمه و طبع تهران ۱۳۲۰ (۲) تاریخ اللغات السامیه طبع مصر (۳) مجله آپیکر افیاندیا اسلامیکا ۱۹۲۶ م (۴) هیند بک آف پشاور موزیم، ص ۹ و ۱۰

جوزجانی افغانستان نصب شده. بجای خود مهم و دلچسپ است. آریانا  
 قدیمترین کتابهای این رسم الخط که تا کنون بخط مردم خراسان درموزه های  
 اروپا و کتب خانه هاموجود اند عبارتند: از کتاب الابنیه عن حقایق الادویه تألیف  
 ابومنصور موفق هروی که در شوال ۴۴۷ هـ (جنوری ۱۰۵۶ م) بخط علی بن احمد  
 طوسی خواهر زاده یا برادر زاده فردوسی خراسانی نوشته شده و نسخه واحد  
 خطی آن در کتب خانه ویانا است (۱).  
 دیگر جلد ثالث شرح کتاب النعرف لمذهب التصوف است، که در حدود (۳۹۰ هـ)  
 زاهد فقیه امام ابو ابراهیم اسمعیل بن محمد مستملی بخاری (متوفی ۴۳۴ هـ)  
 کرده است (۲). این کتاب از مهمترین آثار قدیم زبان فارسی فصیح عصر سامانی است  
 که یک نسخه خطی قدیم آن با خط بسیار پخته و زیبای کوفی در ۲۴ شوال ۴۷۳ هـ  
 ۱۰۸۰ م نوشته شده و در پشاور پستونستان در کتب خانه مولانا فضل صدیقی  
 موجود بود.

دیگر کتاب خطی بهمین رسم الخط کتاب هدایه المتعلمین تألیف ابوبکر ربیع  
 ابن احمد بخاریست، که نسخه خطی واحد آن در کسپفورد انگلستان وجود و نوشته  
 است. (۳۴۷۸ هـ).  
 پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

از نسخه خطی کتاب *الجمال فی البلاغة* محمد بن عمر راویانی که در سنه  
 ۵۰۷ هـ بخط ارد شیر بن دیلم سپهر قطبی از شاگردان اسدی طوسی نوشته شده و در  
 کتب خانه فاتح استانبول موجود است بدین می آید (۳) که رسم الخط کوفی از اوائل  
 دوره اسلامی تا اوخر دوره غزنویان و عصر سلجوقیان برای نوشتن کتب استعمال  
 می شده اما از مقابله قدیمترین نمونه خط کوفی که تا کنون کشف شده و در حران  
 جبل دزوز بر سنگی بالای کلیسائی بن بنان عربی و یونانی

(۱) تاریخ ایران از پراون ج ۱ ص ۶۹۲

(۲) کشف الظنون ۴۱۹

(۳) رجوع بطبع عکسی احمد آتش از استانبول ۱۹۴۹

نقش و منعاق به سال ۵۶۸ م است، و بعد ازان بر کتیبهٔ قبری در مصر همین رسم الخط در بوط بسال ۳۱ هـ موجود است (۱)، معلوم می‌شود که خط کوفی - اوائل خیلی ساده و بسیط و نازیبیا و حروف آن خیلی فراخ و کم ارتفاع بود، ولی بمروور زمان ذوق مردم خراسان آنرا پرورانید تا که در اوائل قرن پنجم هجری کشیده و زیبا شده و در دورهٔ سلجوقی خط کوفی برزقت و زیبایی خرد افزود (۲) تا که خط نسخ ازان بوجود آمد، و بعد ازان در قرن هفتم به تعلیق تحول کرد، و از مجموعهٔ نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بمیان آمد، که رقت و شیوایی و سهولت و نرمی و ارتجالی را در آن مشاهده می‌کنیم (۳).

اختراع خط نستعلیق منسوب به قبله‌الکتاب میر علی از درباریان تیموریهٔ خراسان است یک نسخهٔ خطی همای و همایون خاجوی کرمانی بتاریخ ۷۹۹ هـ (۱۲۹۷ م) بقلم او نوشته شده و در موزهٔ برتانیاست (۴).

مکتب نستعلیق نویسی در خراسان و هرات در سایهٔ هنر پروری تیموریان در عصر رنسانس هنری هرات باوج کمال رسید. عبدالله پسر میر علی کارپرداز اتمکمیل کرد و از و نفر شاگردان میر علی، مولانا جعفر ریاست دبیر خانهٔ بایسنقر میرزا را در هرات داشته و چهل نفر خوشنویس زیر دست او بودند.

جعفر بایسنقری در اکادیمی هرات نفیس‌ترین کتب دنیا یعنی نسخهٔ شهنامهٔ فردوسی را در سنه ۸۲۳ هـ (۱۴۲۰ م) نوشت (موزهٔ گلستان تهران) که بجایش شرح داده خواهد شد. همچنین نسخهٔ خطی گلستان سعدی را همین جعفر در هرات بسال ۸۳۰ هـ (۱۴۲۶ م) برای شهزاده بایسنقر نوشت که بهترین کتابهای خطی کلکسیون چستر بیثی لندن شماره شده میشود، و علامت کتابخانهٔ بایسنقر میرزا را دارد.

(۱) تاریخ اللغات السامیه طبع مصر (۲) مهم‌ترین آثار این ادوار افغانستان در رسم الخط کوفی کتیبهٔ قبر سلطان محمود در غرته ۴۲۱ هـ و کتیبهٔ بنای مرقد حضرت امام یحیی بن زید مقتول ۱۲۵ هـ در سرپل (چلوچیان) است که تاریخ ندارد.

(۳) دکتور ذکی حسن در کتاب تاریخ صنایع بخوالهٔ سروی آف پرشین آرت

۱۷۳۲:۲

(۴) دهنمای صنایع اسلامی از دیماند، ترجمهٔ قلدسی طبع تهران ۱۳۳۶

عده زیاد نسخ خطی عالی مکتب هرات متعلق بدوره شاهرخ اند. يك نسخه عالی خمسة نظامی که مجموعه لویی کارتیه در پاریس موجود است مشهور به مهر شاهرخ است (۱).

اما ما گرد دیگر میرعلی، مولانا اظهر (متوفی ۸۸۰ هـ ۱۴۷۵ م) هنرمند جهانگردی بود، که خط نستعلیق را از هرات تا بیت المقدس نشر داد، و يك شاگردش سلطان علی از ۸۷۵ تا ۹۱۲ هـ در هرات بدربار سلطان حسین بایقرا بسر می برد، که دیوان وزیر هرات میرعلی شیرنوازی رادر ۵۹۰ هـ ۱۴۹۹ م نوشت و بخط همین استاد، نسخه گوی و چوگان عارفی بین سنوات ۸۷۰ - ۸۸۰ هـ در هرات نوشته شد که اکنون به نمره ۱۸۱۰ در کتابخانه فایح در استانبول موجود است.

یکی از آثار آنزمان که مصدر الهام برای هنرمندان این مکتب بوده دیوان شاعر معروف حضرت جامی است (۸۱۷-۸۹۸ هـ ۱۴۱۴ - ۱۴۹۲ م) در موزه مترو پولیتن نسخه بی ازین دیوان موجود است که بین سالهای ۸۶۸ - ۸۸۴ هـ در زمان حیات جامی توسط خطاط معروف عبدالکریم خوارزمی نوشته شده و از لحاظ سبک خط شباهت زیادی به نسخه بی ازان دیوان دارد، که در سال (۸۶۸ هـ ۱۴۶۳ م) توسط عبدالرحیم پرادش استنساخ شده، این هر دو خطاط زبردست شیوه خط نستعلیق را تغییر دادند، و فرزندان عبدالرحمن خوشنویس معروف بودند (۲) خطاطان معروف و هنرمندان دیگر در اکادیمی هرات عبدالکریم ولد عبدالرحمن خوارزمی، و ابراهیم بن شاهرخ بن تیمور و خود بایسنقر میرزا است، که درین دوره بعد از پیشرفت خط نستعلیق دو نوع خط دیگر یعنی خط دیوانی و دشتی نیز بوجود آمده است (۳).

(۱) راهنمای صنایع اسلامی ۵۵

(۲) راهنمای صنایع اسلامی ۵۷

(۳) زکی محمد حسن در صنایع ایران، ص ۷۰

هنر خطاطی در افغانستان دوره ارتقای خود را تکمیل کرد، و در قرن نوزدهم دو مکتب خاص در آن موجود بود اول مکتب میر عبدالرحمن هر وی که در اواخر عصر سقوط سدوزائیان میزیست، و در نستعلیق نوبسی آینی بود، و همین مکتب را تا کنون برخی از شاگردان ابن دبستان تعقیب می نمایند، که یکی از ایشان دانشمند فیضی کابلی است و در بن اواخر مناجات حضرت خواجه عبدالله انصاری را به همین اسلوب نوشته و عکاسی شده است، و پیش ازین مرحوم میرزا محمد یعقوب از خطاطان معروف این مدرسه بود.

مکتب معروف دیگر نستعلیق دبستان سید عطا محمد شاه قندهاریست که فرزندش سید عثمان آقا و ذونفر شاگردش سید داؤد الحسینی و سیدایشان آقا تا کنون چشم و چراغ این محفل اند، و این هنر مندان رویه میر عماد معروف را پیروی نمایند.

علاوه برین دبستان خط شکسته نیز در چند قرن اخیر موجود بوده و نمونه‌های خوبی ازین اسلوب بخط مرحوم سردار غلام محمد خان طرکزی افغان دیده شده و درین وقت بناغلی عزیزالدین پوپلزی در انواع خطوط هنری نمایی دارد.

**مصوری و نقاشی**

از آثار مانوی که در تورفان کشف شده و نیز از عنعنه قدیمی که در ادب و کلتور ممالک آسیای وسطی موجود است فهمیده می شود، که مصوری و نقاشی در خراسان از عصور قبل از اسلام رواج داشته در افغانستان از امتزاج هنر بودایی و یونانی سبک هنری گریکو بودیک در مدارس گندهارا بوجود آمده بود، که در عصر کوشانیان این هنر در افغانستان صبه خاص محلی را یافته بود.

مصوری و مجسمه سازی گندهارا در ادب و آرت دوره اسلامی آنقدر نفوذ نمود، که شعرای قدیم فارسی بت قندهار و نقش قندهار را سمبول حسن و جمال

قرار دادند، سنائی عزنوی گفت:

صانعی باید حکیم و قادر و قائم بذات تا دید آید صنعت وی بنان قندهار (۱)  
 حتی گاهی تنها کلمه قندهار سمبول زیبایی و جمال بود، ناصر خسرو علوی گفت:  
 سوی شاخ باد ام شو با مداد اگر دید خواهر هم قند هار (۲)

در دوره اسلامی در افغانستان فن نقاشی و مصوری را از عهد ساسانیان بلخی  
 سراغ داریم، بدین معنی که در قرن چهارم هجری نصر بن احمد سامانی نسخه  
 ترجمه شده کلیله و دمنه را بوسیله نقاشان چینی مصور نموده بود و نقاشی روی  
 دیوارهای کاخها نیز از همین دوره مرسوم بود، که استاد معروف هر تسلفد در  
 سیستان نمونه هائی از آن یافته است (۳)

و هنگامیکه آثار لشکر گاه غزنویان در بست کنار هلمند کشف شد، و بر دیوارهای  
 آن تصاویر غلامان محمودی دیده می شود، از ملاحظه آن به یقین می پیوندد، که  
 هنر مصوری در آن عهد چه مراحل طی را می پیمود، و علاوه برین از روایت ابوالفضل بیهقی  
 میدانیم، که شهزاده محمود فرزند سلطان محمود در باغ عدنانی هرات عیش خانهائی  
 داشت که دیوارهای آنرا به نقوش و تصاویر گوناگون آراسته بودند (۴)

اما نقاشی های دیواری که در دوره ساسانی مرسوم بوده است در دوره اسلامی  
 استعمال آن منحصر بر دیوارهای حمامها و تالارها و سالن های خصوصی شد، و در  
 دوره اسلامی مکتب های مصوری سلجوقی و مغولی و تیموری و صفوی معروف است  
 که منبع و پرورشگاه تمام این مکاتب هنری باز خراسان بوده و در خاکهای  
 پارس و عراق و تورکیه پرورده شده است (۵)

یک نسخه شاهنامه فعلاً در موزه طوپقاپولرای استانبول هست، که در سال  
 ۷۱۳ هـ (۱۳۲۱ م) نوشته شده. ولی صور و نقوش این نسخه بر زخ میان صورتهای  
 مکاتب سابق و لاحق بوده و باز گشت زمینه قرمز رنگ سلجوقی و سادگی و عدم  
 تصنع در رسوم اشخاص آن دیده می شود. که تأثیر روش مغولی در آرایش

(۱) دیوان سنائی ص ۱۴۱ بحواله مضمون نویسنده این سطور در مجله آریانا

حوت ۱۳۴۰ (۲) دیوان ناصر خسرو، ص ۲۰۰

(۳) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۸۸ (۴) تاریخ بیهقی ۱۳۰

(۵) صنایع ایران ص ۸۸

لباس و مناظر کوهستانی و گل و بوته آن نیز مشهور است. (۱)

از بهترین صور نقاشی شده سبک مغولی افغانستان در حدود بعد از قرن ششم هجری مرقعی است از کلپله و دمنه که بعداً برای شاه طهماسب اول صفوی فراهم آوری شده و اکنون در کتابخانه پوهنتون استانبول موجود است.

در کشیدن صورت اشخاص این مجموعه دقت و مهارتی دیده می‌شود، و نقاش از روشهای چینی عیناً صری را در آن اقتباس کرده، که در مناظر طبیعی آن بنظر می‌آید و در مراعات حالت طبیعی و اتقان اشکال آدمی و حیوانی بحدی موفق است که هنرمندان و نقاشان تبریز هم بآن پیایه نرسیده‌اند. بهر حال يك روحانیت و حالت طبیعی در این مجموعه مشهود است که بما اجازه میدهد آنرا از صنایع هرات که در نیمه قرن هشتم صنایع و فنون در آن بر اثر پایتخت بودن سلاطین کورت رونق یافته بود بدانیم. اما این صوراد اشکال خالی از يك روح هندی نیست، و شاید دلیل این باشد که سلاطین کورت منسوب به غوریان اند، که در سالهای ۵۴۳ تا ۶۱۲ هـ (۱۱۴۸ تا ۱۲۱۵ م) بر افغانستان و هند حکومت کرده‌اند، و این رابطه و نسبت که بین دو سلسله بود است در فنون شهر هرات تأثیر داشته است. (۲)

این رأی مؤلف صنایع اسلام قرین بصواب است، زیرا از ملاحظه تاریخ سیفی هروی که از مورخان دربار آل کورت هرات است بخوبی میدانیم که شاهان آل کورت تا دره بولان و حدود سرزمین سنده حکمرانی داشتند، و شاید آثار هنری هندی را بدر بارخویش در اثر تماس با مردم سنده هرات انتقال داده باشند.

در سال ۷۷۱ هـ ۱۳۷۰ م سمرقند پایتخت تیمور بود، وی مشهورترین هنر منهان را در آن شهر فراهم آورد. اما تابلوهای نقاشی که بشهر سمرقند منسوب اند خیلی کم یا بند و بهمین جهت شاید ممکن نباشد آثار فنی زیادی بآن نسبت داد، فقط میتوان اشکال منقول از نمونه های چینی و بعضی اشکال دیگر را که



روشهای چینی در آن تأثیر کرده و مشتمل بر رسوم و اشکال حیوانات حقیقی و خرافی و بعضی کتابهای خطی علوم فلکی را منسوب بآن شهر دانست. (۱)

شاهرخ (۸۰۷-۸۵۰ هـ) = ۱۴۰۴ - ۱۴۴۷ م پسر و جانشین تیمور هرات رامقر حکومت خود قرار داد. وی عده زیادی از هنرمندان را برای استنساخ و مصور ساختن کتب جهت کتابخانه خود استخدام کرد، که در بین آنها خلیل نقاش رامیتوان نام برد، که در آن زمان یکی از عجائب اربعه و تالی مانی بشمار میرفت (۲)

با یسنقر میرزا (متوفی ۱۲۳۳ م) پسر شاهرخ یک کتابخانه و مدرسه فنون کتابت تأسیس کرد، که در آن چهل هنرمند از قبیل نقاش و خوش نویس و صحاف کار میکردند، و در رأس آنها جعفر بایسنقری خطاط مشهور بود. از جمله نقاشان امیر شاهی سبز واری و غیاث الدین رامیتوان نام برد، غیاث الدین جزویک هیئت سیاسی از طرف شاهرخ به چین فرستاده شد (۳)

چون روابط محکم بین دربار هرات و خاندان شاهان منگ چین (۷۷۰-۱۰۵۴) موجود بود و سفرای جانبین بدر بارهای یکدیگر فرستاده می شدند، بنابراین تأثیر هنر چینی در مکتب فنی هرات نمایان است. از آن جمله تزئین جلد های کتب به رسوم حیوانات خرافی چینی است. (۴)

اگر چه نقاشان در بار بمصور ساختن شاهنامه ادامه میدادند، اما موضوعی که بیشتر توجه آنها را جلب میکرد، اشعار عاشقانه و تصوفی بود، که برای نقاشی این اشعار مکتب هرات سبک جدیدی ابداع کرد، که متناسب با معنی و مفهوم اشعار غنائی و عاشقانه باشد.

معمولاً اشکال انسان درین تصاویر ظریف و کوچک ترسیم شده و منظره آن

(۱) صنایع ایران ص ۹۹

(۲) راهنمای صنایع اسلامی ۵۴

(۳) همین کتاب ۵۴

(۴) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۴

کاملاً محیطی و تزئینی و دارای افق بلند و جبال اسفنجی است رنگ آمیزی این تصاویر روشن و هم‌آهنگ است و با مقایسه با نقاشی دوره اولیه مغول، رنگ‌های جدید بآن اضافه شده است.

ایجاد این سبک خاص در نقاشی که بتدریج نفوذ های خارجی در آن مستهکم گردید مرهون مکتب نقاشی هرات است بدین تفصیل:

در عصر شاهرخ فن نقاشی مرحله اقتباس و فرا گرفتن از فنون اچینی را پیمود، و بدوره جوانی خود رسید، و توانست چیزهایی را که از دیگران گرفته است در خود تحلیل کرده و جزء لاینجزای خود سازد. در صورت و اشکالی که در اواخر قرن ۸ هـ (۱۱۴ م) کشیده شده میتوان مهمترین وسائل تزئینات سبک‌های فنی را دید، و همین وسائل در قرن بعد از بزرگترین ممیزات نقاشی مکتب هرات گردید. که مهمترین خصائص آن همان مناظر زیبای گلها و گلزارها و مناظر بهاری و پس از آن رنگ‌های درخشان و زیبایی است که هیچگاه خروج از رنگی بدیگری وحدت و استقلال آنها را متزلزل نمیکند. و از ممیزات دیگر این مکتب مناظر طبیعی و کوه و تپه‌هایست که شکل اسفنج کشیده شده. و علاوه برین نقاشان این دوره توانسته‌اند میان اشخاص و ساختمانها یا سایر مناظری را که نمی‌کشند نسبت های مقبول و معقولی را قائل شوند، و تطوری مکتب هرات خیلی واضح تر و آشکارتر است. و از آثار مهم این دوره مجموعه اشعار است بقلم مرتضی حسینی (قسمت اسلامی موزه دولتی المان در برلن) که در سنه ۸۲۳ هـ ۱۴۲۰ م برای کتابخانه بایسنقر شاهزاده تیموری نوشته شده است. و امتیاز این نسخه در این است که نقاش توانسته است، صورت اشخاص را آنقدر که ممکن بود کم کند، و در رنگ آمیزی و کشیدن کوه و تپه مهارت نشان دهد. نقاشان این دوره از سبک‌های فنون چینی اقتباس کرده و هضم کرده اند و در سبک مستقل و قوی را که نماینده روح فنی عصر بود بوجود آوردند (۱).

مینیا تور های کتب عصر تیموری از حیث سبک بیکدیگر شباهت دارند و به شیوه مینیا تور سازی که چندی بعد در هرات ظاهر شد، خیلی شباهت دارند.

خصایص این قسم مینیا تور عبارتست از کوه‌هایی در فواصل معین با سبزه پوشیده، افق بلند و رنگهای جدید به الوان گوناگون.

در تحت نظر این هنرمندان هرات و بدست آنان عصر طلائی مینیا تور سازی ظاهر گردیده. نقاشی‌ها و تصاویر بکه این صنعتگران کشیده‌اند، به مقیاس کوچک است، و در ساختن آن دقت زیاد کرده‌اند، و مخصوصاً به ریزه کاری خیلی اهمیت داده‌اند. این مینیا تورها تأثیر آرایشی فراوان دارند، و رنگهای جدیدی که در آن استعمال شده، لطیف و خوش منظر است. درین مینیا تورها فاصله‌های بین تصاویر، بطرز تازه نشان داده می‌شود. چونکه تصاویر در چند سطح کشیده شده‌اند، تا اینکه دوری و نزدیکی نسبت بیکدیگر را بنمایند، طبقات نازک صخره و کوه‌هایی که بافق منتهی میشود، با انواع رنگهای قشنگ ساخته شده، درختان، گل و گیاه و جزئیات آن با دقت کشیده و نمایش داده شده است. آسمان بالای افق اغلب طلائی رنگست. و برای نشان دادن ابر پیچ نازکی بسبک چین کشیده شده، آسمان شب را با رنگ سرمه‌ئی و ماه و ستارگان را با رنگ طلائی جلوه داده‌اند (و چنانچه گفتیم نقاشان به منظور تسلختن و مینیا تور کاری شاهنامه فردوسی ادامه میدادند، ولی درین زمان آثار شعرای بزمی، و سیله و صحنه جدیدی برای ابراز این صنعت وده کتب سعدی و نظامی را استنساخ کرده و با مینیا تور های عالی آرایش کرده‌اند. و این آثار مانند عکاسی نیست، بلکه بیشتر جنبه آرایش و زینت دارد، و هیچگاه سعی نشده است، منظره‌ئی را نشان بدهند، که بعینها همان باشد، که بچشم یادور بین عکاسی می‌آید... و قوه مخیله و تصور در آرایش آن میدان وسیعی دارد (۱).

تکنیک دقیق و طرز نشان دادن منظره و کوچکی اشکال از خصایص مکاتب

هرات در نیمه اول قرن (۱۱۵۰ م) است (۱).  
 از قدیمترین کتب خطی منسوب بمکتب هرات کتاب کلیده و دمنه  
 (کاخ گلستان تهران) است، که در اتقان تصویر طبیعت و آثار آن و هضم  
 و تحلیل عناصر چینی ممتاز است. و نسخه خطی گلستان سعدی ۸۳۹ هـ (۱۴۲۶ م)  
 که برای بایستقر نوشته شده و دارای ۸ تصویر بدیع و زیباست، تمام ممیزات  
 و محسنات فنی مکتب هرات را دارد (۲).  
 درموزه هنرهای زیبای پاریس تابلوی ملاقات‌های و هما یون در باغ‌های  
 کاخ شاهی چین از شهکارهای نقاشی مکتب هرات است، که سراسر آن با بداع  
 مقرون بزینبائی و فوق دادن بین اجزاء و قدرت کامل بر تعبیر عواطف و افکار  
 بوده و جنبه اشرافی و بزرگی اشخاص بخوبی در آن آشکار است. رنگ آمیزی  
 عجیب و گل‌های زیبائی که در آن کشیده شده جذب خاص بدان میدهد.  
 علاوه برین تابلو، صورت مستقل دیگری نیز روی پارچه ابریشمی  
 طبق روش چینی در مکتب هرات کشیده شده و تصویر میرود که از آثار همان غیاث‌الدین  
 نقاش باشد، که در سالهای ۸۲۳ - ۸۲۷ هـ جنبه هیئت اعزامی شاهرخ به چین بود.  
 این آثار نفیس درموزه‌های نیویارک و بوستن و مجموعه کوننس دو بهاک موجودند  
 که اجتماع سبکهای چینی و هراتی را در کمال مهارت و خوبی نمایندگی می‌کنند.  
 اما مکتب فنی هرات از نیمه قرن نهم هجری (۱۱۵۰ م) در پیوند صورت اشکال  
 و رنگ آمیزی آنها یک شخص قوی و مستقلی را تشکیل داد، که نسخه انجمن  
 آسیائی لندن، نوشته شده برای محمد جوکی بن شاهرخ در حدود ۸۴۰ هـ نمایندگی  
 آنست. و همچنین دیوان اشعار سلطان حسین میرزا (متوفی ۸۹۰ هـ) در مناظر  
 طبیعی و تصاویر ابنیه و سیما و چهره مغزای اشخاص و مناظر رنگها از پیشرفت  
 فنی هنرمندان مکتب هرات حکایه میکند (۳).  
 (باقی دارد)

(۱) راهنمای صنایع اسلامی ۵۶

(۲) صنایع ایران ۱۰۵

(۳) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۸